

جمعیت های خیریه تبریز، دستاورد انقلاب مشروطه

نویسنده: غلامرضا درکتانیا*

انقلاب مشروطه رویداد عظیمی بود که در ایران اواخر دوره قاجار به وقوع پیوست و اثرات دیرپایی را از نظر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... بر آن جامعه به جا گذاشت. این انقلاب را می‌توان نقطه عطفی در کل تاریخ این سرزمین به شمار آورد که طی آن مردم ستمدیده ایران برای محدود کردن قدرت مطلقه پادشاهان به پاخاسته، استبداد را به زانو درآورده و مشروطه را برقرار نمودند که در این جریان سهم آذربایجان خصوصاً تبریز تعیین کننده بود.

این انقلاب یکی از مهم ترین انقلاب های خاورمیانه بوده و همانند انقلاب روسیه، چین و مکزیک جزئی از نهضت جهانی انقلاب در اوایل قرن بیستم به شمار می‌رود. این نهضت در واقع جنبشی بود ملی و مردمی که بر اثر سالها نابسامانی و ناامنی و فشار فقر و محرومیت توده‌های محروم در برابر فساد حکومت و خودکامگی و آزمندی بسیاری از حکمرانان دوران استبداد پدید آمد و با رهبری و مبارزه پی‌گیر شماری از پیشوایان مذهبی و آزادی‌خواهان راستین به خصوص در تهران، تبریز، رشت، اصفهان و شیراز شکل گرفت. از اثرات اجتماعی این انقلاب که کمتر به آن توجه شده شکل‌گیری و رشد جمعیت‌های خیریه با اهداف متعالی انجام امور عام‌المنفعه، کمک به هم نوع و دستگیری از مستمندان و فقرا به خصوص در مواقع بروز بحران‌های سیاسی و اجتماعی آن زمان بود. در این مقاله تلاش شده با نگرشی تازه به این رویداد مهم تاریخی فعالیت‌های اجتماعی مردم تبریز که منجر به شکل‌گیری جمعیت‌های خیریه متعددی در آن شهر شده بود، معرفی و مورد بررسی واقع گردد.

در دوره مشروطیت در کلیه محله‌های تبریز انجمن محلات تشکیل شده بود که در این انجمنها علاوه بر مسائل سیاسی به امور اجتماعی از جمله انجام امور خیریه و عام‌المنفعه توجه نموده و از مستمندان محل خود دستگیری می‌نمودند. حتی آرامنه تبریز نیز در آن زمان انجمن امدادیه آرامنه آذربایجان را تأسیس کرده بودند.

این توجه افراد خیر به امور خیریه در دوره استبداد محمدعلی شاه که تبریز درگیر جنگ بود و مدت یازده ماه در محاصره به سر می‌برد، واقعاً برای مردم که از لحاظ آذوقه در مضیقه قرار گرفته و امراض ناشی از کمبود مواد غذایی بیداد می‌کرد، خیلی مؤثر واقع شد و در آن زمان مؤسسه خیریه دارلعجزه و خیریه‌های دیگر به مقتضای زمان و نیاز جامعه آن روز با توجه به ضعف دولت و دست به دست گشتن سریع قدرت، پا به عرصه وجود نهادند.

در دوره پهلوی اول، تأسیس جمعیت شیر و خورشید سرخ تبریز، بنگاه حمایت از زندانیان و انجمن خیریه و محلی لیل آباد، فعالیت‌های خیریه ادامه پیدا کرد، اما بعد از شهریور ۱۳۲۰ش و اشغال خاک ایران توسط قوای بیگانه و متعاقب آن جریان حکومت پوشالی دموکرات‌های آذربایجان به سرکردگی پیشه‌وری، باعث توجه بیشتر دولت از یک طرف و روحانیون و نهاد مذهبی از طرف دیگر به مردم شد و جهت آن نگرانی از نفوذ کمونیسم و اشاعه مرام اشتراکی در منطقه بود و در واقع از سال ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ش به بعد جمعیت‌های خیریه زیادی در تبریز تأسیس شد که بیشتر آنها ثبت شده و به صورت رسمی فعالیت می‌کردند.

دولت نیز برای کسب موقعیت اجتماعی، اقداماتی در این زمینه انجام داد و در مواقعی که درگیر جنگ و تفرقه و ضعف حکومت نبود، هم خود جمعیت خیریه تشکیل داده و هم به جمعیت‌های خیریه نظارت کرده و ضمن کنترل، به آنها کمک می‌کرد. کنترل دولت از طریق شهربانی و ساواک صورت می‌گرفت. وجود حکومت استبدادی و نگرانی ناشی از سیاسی شدن این جمعیت‌ها و تشکلهای مردمی - مخصوصاً در اواخر دوره پهلوی دوم - باعث می‌شد که دولت نظارت بیشتری بر فعالیت این جمعیت‌ها داشته باشد و این در حالی بود که عدم مداخله در امور سیاسی از اصول و برنامه‌های جمعیت‌های مورد بررسی بود.

این مقاله با هدف ارزشمند ارتقاء روحیه خیرخواهی و نوع‌دوستی در بین مردم تنظیم شده، جمعیت‌های خیریه تبریز را در چهار بخش شامل:

۱- جمعیت‌های خیریه رسمی مردمی

۲- بنگاهها و جمعیت‌های خیریه دولتی

۳- هیأت‌های خیریه غیررسمی

۴- جمعیت خیریه بین‌المللی شیر و خورشید سرخ تبریز وابسته به صلیب سرخ جهانی؛ بررسی نموده است.

این اثر از آن رو که به صورت دقیق چگونگی شکل‌گیری، عملکرد، ساختار و تأثیر نهاد مذهبی، نقش تجار و دولت در ترغیب و تشویق مردم در امر مشارکت از طریق پرداخت اعانه به این جمعیت‌ها را با تکیه بر اسناد منتشر نشده مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد، حائز اهمیت و درخور مطالعه است.

پیشینه‌ای مختصر در مورد انجام امور خیریه در ایران

اقوام آریان‌زاد، خاصه ایرانیان از جمله ملل قدیم به شمار می‌آیند که به پیروی از کیش و آیین خود به انجام کارهای نیک چون آبادانی و دستگیری مستمندان توجه بسیار داشته و در زمینه امور خیریه طبعاً دارای نذورات و موقوفات بسیاری برای نگهداری معابد و آتشکده‌های خود بوده‌اند.

تفکر نیک‌اندیشی و خیرخواهی در تعالیم زرتشت به آنها آموخته بود که یک دهم درآمد خود را صرف «داد و دهش»، خیرات و کمک به فقرا نمایند.

اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین آئین الهی، با نگاهی جدی و قاطع به این امر نگریده است. آیات فراوان در خصوص اثرات وضعی و پاداش اخروی امور خیریه در قرآن مجید تأییدی است بر این مطلب و روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز تأکیدی بر انجام این امور است. (۱)

بر اساس قرآن و فرمانهای پیامبر که از طریق سنت به سمع همگان می‌رسید، ضوابط انسانی در قلمرو حکومت اسلامی در برابر قشرهای تحت فشار حاکم بود. از جمله این فرمانها پذیرفتن یتیمان بود. چنانکه در شهرهای مختلف ایران دوره نخستین اسلامی کودکان یتیم را در خانه‌های مخصوص اطعام و نگهداری می‌کردند، به یاد اینکه حضرت محمد(ص)

یتیم بوده است و دیگر اینکه مستمندان به طور منظم اطعام می‌شدند. بنابراین در طول قرون وسطی در اسلام تأمین رفاه و برقراری همکایهای اجتماعی وجود داشته است. (۲)

در دوره قاجار حس تعاون و همدردی و دستگیری از بینوایان در میان توده مردم به حد کمال وجود داشت و این حس موجب آن شده بود که در رژیم خشن استبدادی قاجاریه و در عصری که هیچ‌گونه سازمان و تشکیلات عام‌المنفعه وجود نداشت مردم خود به یاری یکدیگر بشتابند. (۳)

منطقه زرخیز آذربایجان به خصوص شهر قدیمی تبریز از قرن‌ها پیش شاهراه تجارتهای بین ایران و اروپا از طریق اسلامبول، قفقاز و پترزبورگ بود. روی همین اصل تجار تبریزی هم از جنبه اعتقادی و ارتباط محکم با روحانیون و پیاده کردن سفارش بزرگان دین و هم به جهت ارتباط با کشورهای مختلف اروپایی از فعالیتهای اجتماعی آنان بیش از سایر هم‌میهنان آگاهی داشتند. (۴) این آگاهی باعث شده بود که در انقلاب مشروطه هر کدام از محله‌های تبریز انجمن محلی و خیریه داشته باشند.

این انجمنها غیررسمی و فصلی بود که به طور موقت در پاییز هر سال جهت تهیه زغال برای تأمین سوخت زمستانی و تهیه پوشاک فقرا در مساجد و یا منازل اعضا و معتمدین محل تشکیل می‌شد.

پس از پایان دوره استبداد و رفع محاصره تبریز توسط محمدعلی شاه؛ آرامشی در اوضاع پدید آمد. ولی بی‌کاری و کسادى بازار و رکود داد و ستد باعث شده بود که طبقات پایین سخت در مضیقه بیفتند. لذا عده‌ای از بازرگانان نوع دوست تبریزی با همکاری اجلال‌الملک نایب‌الایاله وقت، انجمنی در عمارت ایالتی تشکیل داده، جمعی را به عنوان هیأت عامله خیریه انتخاب می‌نمایند که با جمع‌آوری اعانه در رفاه حال مستمندان معلول و یتیمان بی‌سرپرست بکوشند. این انجمن اولین اقدامی که جهت انجام امور خیریه و کمک به مستمندان می‌کند تأسیس دارالعجزه در سال ۱۳۲۷ق می‌باشد که در آنجا عده‌ای از بینوایان و معلولین بی‌سرپرست نگهداری می‌شدند.

با رسیدن خبر تأسیس دارالعجزه، انجمنهای ایرانی در خارج کشور از جمله انجمن سعادت اسلامبول، انجمن مساوات قفقاز و مردم سایر شهرهای ایران، اعانه‌های فراوانی به دارالعجزه ارسال کردند. پس از آرامش اوضاع و بهبود وضع مردم با شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۳۳۲ق (۱۹۱۴م) وضع روستائیان آذربایجان نیز در اثر فروش محصولات کشاورزی به روسها که با آلمان درگیر جنگ بودند، خوب شده و فعالیت دارالعجزه را کد ماند. (۵)

کلیات

انجمنها و مراکز خیریه مؤسسات عام‌المنفعه‌ای هستند که به منظور ارائه خدمات به افراد جامعه در زمینه‌های گوناگون از قبیل خدمات بهداشتی و درمانی، خدمات رفاهی و فرهنگی پا به عرصه حیات می‌گذارند. وجود این مراکز، تعداد و موضوع فعالیت آنها محک و معیاری برای ثبوت یا نفی عدالت اجتماعی در جامعه است. بدین معنا که این مراکز، زمانی پا به عرصه فعالیت می‌گذارند که عدالت در اجتماع با عملکرد ناقص و برنامه‌های ضعیف، کم‌رنگ یا مخدوش شده باشد و دولت نتواند به وظیفه خود در برابر یکایک افراد جامعه به ویژه قشر ضعیف عمل کند. در این مقطع زمانی است که

عده‌ای از نوع‌دوستان خیر جامعه به منظور ارائه خدمات به هموعان خود، تشکیلاتی را بدین منظور پدید می‌آورند تا راهگشایی برای خدمت باشند. (۶)

تأسیس و ایجاد این انجمنها و مراکز خیریه در جامعه اسلامی ما، خصوصیت و رنگ و بویی خاص دارد و مولای متقیان امیر مؤمنان علی (ع) چه زیبا در این باره می‌فرماید: «ما احسن تواضع الاغنیاء الفقراء طلبا لما عندالله و احسن منه تیه الفقراء علی الاغنیاء و اتکالا علی الله...» «چه نیکوست فروتنی توانگران در برابر مستمندان برای به دست آوردن آنچه نزد خداست و نیکوتر از آن، بزرگ‌منشی مستمندان به اعتماد خدا برابر اغنیاست.» (۷)

نقش روحانیون در تقویت جمعیت‌های خیریه تبریز

روحانیت معظم همیشه در انجام امور خیریه و دستگیری از مستمندان در صف اول قرار داشته و مورد اعتماد تجار و مردم از یک طرف و دولت از طرف دیگر بوده است. به موجب احکام شرع رسیدگی به فقرا و مستمندان بخشی از وظایف شرعی روحانیت و مراجع تقلید محسوب می‌شود و روحانیون ضمن تقسیم خمس، زکات، سهم امام و سهم سادات در مصارف دینی، بخشی از آن را با کسب مجوز از مجتهدین اعلم زمان، صرف امور خیریه می‌کنند. از آنجایی که امور خیریه به لحاظ داشتن خاستگاه دینی و تأیید و سفارش مذهب به گونه‌ای است که تحصیل رضا و ثواب الهی به شکلی کاملاً نهادینه شده مدنظر مرتبطين با آن می‌باشد، اثر بخشی کاملاً گسترده‌تری دارد.

واقعۀ شهریور ۱۳۲۰ش و جریان‌های پس از آن در دوره پیشه‌وری باعث شد که علمای تبریز به خاطر جلوگیری از رشد کمونیسم و مرام اشتراکی، تجار و مردم را تشویق نموده که جمعیت‌های خیریه را توسعه دهند. البته خود علما نیز در آن جمعیتها به صورت فعال شرکت می‌کردند.

نقش تجار در تشکیل جمعیت‌های خیریه تبریز

تجار در همه زمانها مخصوصاً در دوره بین انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی در زمینه امور خیریه و پرداخت کمک و اعانه پیشقدم بودند. این کار برای آنها هم جنبه اعتقادی، هم جنبه اعتباری داشته و حضور آنها در انجمن‌های خیریه، بیشتر پاسخ آنان به توقع و انتظار عمومی بود. (۸)

تجار تبریز به جهت اعتقاد مذهبی قوی و ارتباط محکم با نهاد مذهبی، در انجام امور خیریه پیشقدم بوده و با حضور خود در حرکت‌های اجتماعی و عام‌المنفعه با صرف مبالغ قابل توجه در این راه نقش مهمی ایفا کرده و این حرکت را که در دوره مشروطیت در تبریز تشدید شده بود، ادامه دادند.

جمعیت‌های خیریه مردمی رسمی

در اواخر جنگ جهانی اول به جهت بروز قحطی جهانی که شهرهای ایران به خصوص تبریز نیز از آن متأثر شد و بر اثر گرسنگی و شیوع امراض ناشی از کمبود مواد غذایی و بیماری‌های عفونی که موجب مرگ عدۀ زیادی از فقرا و اطفال مستمند گردید، نیکوکاران و سرمایه‌داران تبریز دوباره دور هم جمع شده و با جمع‌آوری اعانه، در اوایل محرم سال

۱۳۳۵ق دارالعجزه را تأسیس کردند و اساسنامه‌ای در هشت ماده برای آن تنظیم نمودند. (۱۰) این اساسنامه در واقع اولین اساسنامه جمعیت‌های خیریه تبریز بود.

در سال ۱۲۹۹ش دارالعجزه به دو بخش دارالعجزه مخصوص سالخورده‌گان و معلولیت و دارالتربیه ویژه یتیمان بی‌سرپرست تقسیم شد. (۱۱)

در سال ۱۳۱۹ش اداره ثبت مؤسسات تبریز، به منظور ثبت مؤسسات و شرکتها بر اساس قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ش تأسیس شد و اولین مؤسسه‌ای که ثبت کرد مؤسسه پرورشگاه و تیمارستان شهر تبریز (دارالعجزه و دارالتربیه سابق) بود که با شماره یک ثبت شد. این مؤسسه با هدف کمک به بینوایان و یتیمان و دیوانگان شهر تبریز در محله دمشقیه، بر اساس اساسنامه‌ای که در ۳۲ ماده تنظیم شده بود به کار خود ادامه داد. در سال ۱۳۵۱ش این مؤسسه دوباره اساسنامه خود را اصلاح نموده و به مؤسسه خیریه تبریز تغییر نام یافت. (۱۲)

از دیگر جمعیت‌های خیریه مردمی می‌توان به بنگاه حمایت زندانیان تبریز اشاره کرد که در سال ۱۳۰۶ش با الگوبرداری از انجمن‌های خیریه دوره مشروطیت با هدف حمایت از خانواده‌های زندانیان تأسیس شده بود. مرحوم محمد نخجوانی با تأسیس این خیریه بارقه امید را در کومه سرد خانواده‌های زندانیان روشن نموده و با این تدبیر نگاه مردم را متوجه این قشر آسیب‌دیده اجتماع نمود. (۱۳) این جمعیت در شهریور ۱۳۲۰ تعطیل شده و دوباره در سال ۱۳۴۴ش به صورت رسمی تأسیس گردید. (۱۴)

انجمن محلی و خیریه لیل آباد

در سال ۱۳۰۸ با همت میرزا حسین واعظ و اهالی محله لیل آباد تأسیس شد. در ابتدا به صورت فعلی اقدام به کمک به مستمندان محله می‌کردند تا اینکه در سال ۱۳۳۴ش امور خیریه محله را تحت سازمان و تشکیلات منظمی درآورده و پس از تنظیم اساسنامه به ثبت رساندند. (۱۵)

جمع خیریه تبریز

در مهرماه ۱۳۲۲ش تأسیس شده و در تیرماه سال بعد به شماره ۲ ثبت شد. این جمع با اجازه شرعی حضرت آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی تشکیل شده بود و کلیه امور خیریه مجمع مطابق قوانین شرع انجام می‌شد. هدف اصلی این مجمع ایجاد کارگاه برای اشتغال افراد مستأصل و مستمند بود. اساسنامه این مجمع توسط علمای بزرگ تبریز تصدیق و مهر شده و تجار نیز آن را امضا نموده بودند. (۱۶)

جمعیت خیریه راسته کوچه

در سال ۱۳۲۶ش در محله راسته کوچه تبریز تأسیس شد. (۱۷) این جمعیت با اجازه کتبی مراجع تقلید تشکیل شده و آیت‌الله میرزا مهدی انگجی از مؤسسین آن بودند. این جمعیت با داشتن دبستان‌های حرفه‌ای مخصوص پسران و دختران، کمک‌های خوبی در آموزش دختران و پسران بی‌بضاعت نموده بود. (۱۸)

جمعیت خیریه محله نوبر

در سال ۱۳۲۶ش تأسیس شد و در سال ۱۳۳۱ش ثبت گردید. هدف این جمعیت در زمینه «تهیه وسایل تحصیل و آموزش صنعت برای اطفال یتیم و بی‌بضاعت محله نوبر»، «تأمین وسایل بهداشت برای بیماران بی‌چیز محله» و «اعطای مساعدت‌های نقدی و جنسی به مستمندان محله» متمرکز بود. این جمعیت شعبی تأسیس نموده به نام‌های هیأت خیریه دارالایتام و هیأت خیریه عیادت از بیمار که این شعب فعالیت‌های خیریه‌ای در سطح یک جمعیت انجام می‌دادند. این جمعیت همچنین در انجام مأموریت خود در قسمت تحصیلی و صنعتی دو باب مدرسه پسرانه و دخترانه داشت. (۱۹)

بنگاه نیکوکاری

با هدف تأسیس بیمارستان و اداره امور آن و انجام امور خیریه توسط تعدادی از تجار در سال ۱۳۳۷ش در خیابان ششگلان تأسیس شد. (۲۰)

جمعیت حمایت از معلولین

در خردادماه ۱۳۳۸ش به وسیله سرتیپ علی‌اصغر مهرداد سرپرست وقت شهربانیهای آذربایجان و چند نفر از تجار و معتمدین سرشناس در دبستان کر و لال‌ها و نابینایان، به منظور حمایت از معلولین (کر و لال و کور) و آموزش و پرورش و تعلیم صنعت به آنها تأسیس شد.

مؤسسه خیریه المهدی

در سال ۱۳۵۰ش توسط تعدادی از تجار متعهد و خیر بازار تبریز با هدف انجام امور خیر و مفید و ترویج و نشر تعالیم عالیه اسلامی، کمک لازم در تأسیس و بهبود زندگی درماندگان و پرداخت وام بدون بهره به کسانی که واقعاً نیازمند بودند، تأسیس گردید. پایبندی به قوانین اسلامی و مذهب شیعه دوازده امامی از اساس کار این مؤسسه بود. (۲۱)

مؤسسه خیریه حمایت از مستمندان تبریز

در سال ۱۳۵۱ش به اهتمام عده‌ای از افراد متعهد و خیر تبریز با انگیزه جلوگیری از آبروریزی عده‌ای متکدی حرفه‌ای با دو هدف عمده شامل: ۱- جلوگیری منطقی از تکدی و آبروریزی ۲- جایگزین کردن کمک‌های معقول و مشروع و آبرومندانه تأسیس شد.

اولویت و تلاش این مؤسسه این بود که به انسانهای عدالت‌خواه کمک کند که با انفاق خود خلاء میان افراد جامعه را پر کرده و جامعه را به حالت تعادل اقتصادی برسانند و به جای فقیرزدایی به فقرزدایی بپردازند. (۲۳)

انجمن امدادیه آرامنه آذربایجان

بر اساس منابع ارمنی از جمله وارتان دمیرجیان (۱۹۶۶م) در سال ۱۸۹۰ در تبریز تأسیس شد (۲۴) که این مطلب تأسیس خیریه در تبریز را به اواخر دوره ناصرالدین شاه می‌رساند. اما به هر حال این انجمن فقط محدود به خود آرامنه

تبریز بود. این انجمن از سال ۱۳۴۰ش به ثبت رسید و به طور رسمی با هدف بهبود وضع فرهنگ و امور خیریه، از قبیل کمک به شاگردان بی‌بضاعت در شهرها، مساعدت به مدارس و شاگردان مستمند روستایی در دهات و کمک به متضرران حوادث غیرمترقبه در شهر تبریز تأسیس گردید. (۲۵)

جمعیت‌های خیریه دولتی کمیسیون مستمندان شهر تبریز

در سال ۱۳۰۸ش تأسیس شد، اساسنامه نداشت و در شهرداری تبریز با حضور عده‌ای از مقامات اداری و افراد خیر شهر تبریز با هدف انجام امور خیر و هماهنگ کردن سازمانهای مربوط و رسیدگی به حال مستمندان و فقرا، دانش‌آموزان نیازمند و رفع احتیاجات جمعیت‌های خیریه تشکیل شد. (۲۶) این کمیسیون در سال ۱۳۳۸ش منحل گردید (۲۷) و با انحلال آن وقفه‌ای در انجام امور خیریه توسط جمعیت‌های خیریه پیش آمد که متعاقب آن در سال ۱۳۴۰ش شورای عالی خیریه آذربایجان شرقی با همان اهداف اما با اساسنامه و به صورت ثبت شده شروع به فعالیت نمود. (۲۸)

بنگاه حمایت از مادران و نوزادان و زنان باردار و بینوایان شعبه تبریز

در سال ۱۳۱۹ش با هدف بهبودی و مراقبت بهداشت نوزادان، راهنمایی‌های بهداشتی جهت جلوگیری از تلفات آنان، کمک‌های مادی و معنوی به زنان باردار و مادران فقیر... تشکیل گردید. این بنگاه با حمایت دولت منابع درآمدی خوبی از بخش خصوصی کسب کرد. (۲۹)

جمعیت مبارزه با سل و حمایت از مسلولین آذربایجان

در سال ۱۳۲۹ش با هدف جلوگیری از ابتلاء مردم به بیماری سل و معالجه مبتلایان به سل تأسیس شد. (۳۰) این جمعیت وابسته به جمعیت مبارزه با بیماری سل و حمایت مسلولین ایران بود و از طریق حمایت دولت و اعانه‌های مردمی، مسلولین نیازمند را کمک می‌کرد. حتی شهرداری برای هر مسلول شفا یافته مقرری تعیین کرده و ماهانه به آنها پرداخت می‌کرد. (۳۱)

جمعیت خیریه فرح پهلوی شعبه تبریز

در سال ۱۳۳۲ش تأسیس گردید و دارای مؤسسات مختلفی از جمله کانون (مهد کودک) برای نگهداری کودکان، پرورشگاه، درمانگاه، کلاسهای خیاطی و توزیع زغال برای مستمندان بود. این جمعیت از محل درآمدهای مختلف خود از اماکن عمومی، برگزاری کنسرتها، کمک ادارات و کمک عاملین قند و شکر برای مستمندان زغال تهیه کرده و آنها را در فصل پاییز به صورت برنامه‌ریزی شده و منظم بین خانواده‌های مستمند توزیع نموده و همچنین برای کودکان آنها لباس تهیه می‌کرد. (۳۲)

جمعیت حمایت از مجذومین تبریز

در سال ۱۳۳۶ش با هدف مبارزه با بیماری جذام، بهبود وضع کلیه مجذومین و جلب مساعدت مردم نیکوکار، مؤسسات داخلی و بین‌المللی، در استانداری تأسیس شد. (۳۳) این جمعیت در سال ۱۳۳۸ش منحل شد و در سال ۱۳۴۱ش

جمعیت مبارزه با جذام و حمایت مجذومین آذربایجان تأسیس شد که دو سال بعد به جمعیت کمک به جذامیان ایران ملحق شد. (۳۴)

وجود تعداد زیادی بیمار جذامی در آذربایجان باعث شده بود که از زمان‌های قبل جذامیان را در محل مناسبی به دور از مردم شهر نگهداری نمایند که در دوره قاجار در آرپادره سی، منطقه‌ای در اطراف سه راهی اهر نگهداری می‌شده‌اند. سپس در دوره پهلوی اول آنها را به پشت فرودگاه تبریز در آسایشگاه باباباگی منتقل کردند و هنوز در آنجا نگهداری می‌شوند و مردم و دولت همیشه به آنها کمک می‌کنند. جمعیت کمک به جذامیان نیز به همین منظور در تبریز تأسیس شد.

جمعیت ملی مبارزه با سرطان شعبه تبریز

در سال ۱۳۴۴ش با هدف کنترل و درمان افراد مبتلا به سرطان و جلب مساعدت نیکوکاران و مؤسسات داخلی و خارجی، تأسیس شد. (۳۵) این جمعیت در جلب مساعدت و جمع‌آوری اعانه از مؤسسات خصوصی و دولتی داخل و خارج با داشتن تشکیلات قوی و منظم و کمیسیون همگانی و تبلیغات نسبت به سایر جمعیتها موفقیت بیشتری کسب کرد.

بنیاد نیکوکاری شعبه تبریز

در سال ۱۳۵۳ش با افتتاح درمانگاه مخصوص معالجه کودکان در خیابان شاهپور جنوبی [ارتش جنوبی] تبریز شروع به کار کرد. هدف این بنیاد فراهم آوردن موجبات تهیه وسایلی برای کودکان فقیر و بیمار و عقب مانده بود که آنها بتوانند از وسایل بهداشت، دارو و درمان به نحو صحیح و شایسته استفاده نمایند. این بنیاد درمانگاه خود را توسعه داده و تجهیزات و کادر پزشکی بیشتری را برای خدمت به مردم فقیر ایجاد و به صورت شبانه‌روزی در درمانگاه به معالجه کودکان اقدام کرد. در راستای کمک افراد خیر تبریز به جمعیتهای خیریه در سال ۱۳۵۵ش برادران توکلی صاحبان شرکت کبریت‌سازی توکلی تبریز ۳۱۴۲/۵۰ متر زمین به این بنیاد جهت احداث درمانگاه اهدا کردند. (۳۶)

انجمن حمایت از کودکان شعبه تبریز

در سال ۱۳۴۹ش با هدف جمع‌آوری اعانه‌های نقدی و جنسی جهت بهبود بهداشت و بالا بردن سطح زندگی کودکان و فراهم آوردن موجبات تأسیس مؤسسات تفریحی، تربیتی و اجتماعی از قبیل پرورشگاه، مهد کودک، پارک کودک، کودکانستان و آموزشگاههای مخصوص کودکان عقب مانده و مبتلا به اختلالات روانی تأسیس شد. مجمع عمومی این جمعیت از ۲۷ نفر افراد خیر و پزشک متخصص کودکان، اعصاب، روان‌پزشک، روان‌شناس و ۱۲ نفر از مقامات اداری استان تشکیل شد. (۳۷)

جمعیت‌های خیریه مردمی و غیررسمی تبریز

این جمعیتها که اغلب به صورت محلی و از زمان مشروطیت با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی حاکم بر شهر تبریز و به علت عدم توانایی دولت مرکزی در برقراری نظم و امنیت و رسیدگی به فقرا و مستمندان به صورت غیررسمی و ثبت نشده بود به وجود آمده بودند، عبارتند از:

در سال ۱۳۳۵ ق پس از شکست روسیه در جنگ جهانی اول که منجر به تخلیه تبریز از نظامیان روسی شد، به وسیله عده‌ای از آزادیخواهان در دربند ارک تأسیس شد. این مؤسسه تعلیم و تربیت و اعاشه حدود ۱۵ نفر از ایتم بی‌سرپرست را به عهده گرفته بود. اما بیشتر فعالیت مؤسسه حول محور تنویر افکار قرار داشته است. این مؤسسه از جمعیت‌های خیریه قدیمی تبریز بود. (۳۸)

هیأت خیریه محله چرنداب

در سال ۱۳۲۷ ش پس از انحلال فرقه دموکرات آذربایجان و فرار سران آنها به جهت عدم کفایت دولت مرکزی در برقراری نظم و رسیدگی به وضع معیشتی مردم از یک طرف و وجود زمستانهای سرد و بیکاری و کم‌درآمدی از طرف دیگر باعث شد تا حجت‌الاسلام عباسعلی واعظ چرندابی با همکاری عده‌ای از افراد خیر محله، هیأت خیریه چرنداب را تأسیس کنند. (۳۹) این خیریه با وجود اینکه اساسنامه نداشته و ثبت نشده بود، اما در زمستانهای سرد تبریز با خرید ذغال و توزیع منظم و عادلانه آن بین مستمندان محله و توزیع حواله نان و گوشت بین افراد نیازمند و اعطای وام قرض‌الحسنه با اقساط طویل‌المدت در نوع خود اقدامات وسیعی در زمینه امور خیریه محله انجام داد. (۴۰)

مجمع خیریه اهراب

در سال ۱۳۲۷ ش در سرچشمه محله اهراب تأسیس شده بود. حوزه فعالیت این خیریه محله‌های گازران، وزیرآباد و شهر نو بود که در آن زمان از محله‌های فقیرنشین تبریز بودند. این مجمع هر چند که اساسنامه نداشته و به ثبت نرسیده بود ولی مطابق برنامه‌های جمعیت‌های خیریه رسمی، هیأت مدیره داشته و جلسات سالانه با حضور اعضا برگزار می‌کرد. (۴۱)

جمعیت خیریه محله ویجویه

در سال ۱۳۲۷ ش با همت جمعی از اهالی محله برای دستگیری از فقرا و مستمندان و درماندگان با حضور آیت‌الله شهیدی، آیت‌الله میرزا مهدی انگجی، آیت‌الله محمد بادکوبه‌ای و شیخ حسن پیشنمازی ویجوی در مسجد ویجویه تأسیس شده و متولیان با اجازه علمای فوق‌الذکر امور خیریه محله را انجام می‌دادند. (۴۲)

همانطور که در پیش ذکر آن رفت هیأت‌های خیریه محله‌های قدیمی تبریز از زمان مشروطیت به وجود آمد که این انجمنها در کنار سایر فعالیتهای سیاسی، مذهبی؛ امور خیریه محل را نیز انجام می‌دادند اما با رشد جمعیت‌های خیریه مردمی رسمی و بنگاههای خیریه دولتی بر اثر فشار دایره همگانی شهربانی مبنی بر ثبت آنها، کم کم هیأت‌های خیریه محله‌ها منحل شدند.

بعضی از این خیریه‌ها که در سال ۱۳۳۰ فعالیت داشته و بر اساس اسناد کمیسیون مستمندان تبریز کمک سالیانه دریافت کرده بودند، عبارتند از هیأت‌های خیریه محله‌های چهار منار، سیلاب، سرخاب، شهربانی، امیرخیز، ششگلان و کوچه باغ بودند. (۴۳)

در سال ۱۳۲۷ش به سرپرستی خانم پینر در بخش ۵ تبریز دایر شد. این مؤسسه فعالیت آموزشی داشته و سی نفر از اطفال ایرانی که در آنجا درس می خواندند را هم از جهت لباس و هم پرداخت کمک هزینه تحصیلی تأمین می کرد. (۴۴)

جمعیت بین المللی شیر و خورشید سرخ تبریز

این جمعیت که وابسته به صلیب سرخ جهانی بوده و جنبه بین المللی داشت، در سال ۱۳۰۳ش تأسیس گردید. اولین شهری که از تأسیس جمعیت شیر و خورشید استقبال کرد شهر تبریز بود که البته این اقدام به جهت وجود جمعیت های خیریه ای بود که از زمان مشروطیت در تبریز تشکیل شده بود و لذا زمینه های انجام این امور از قبل در تبریز وجود داشت. منابع درآمد این جمعیت در اوایل تأسیس از فروش پوست و روده گوسفندانی بود که مردم در اعیاد مذهبی قربانی می کردند و در زمانهای بعد منابع درآمد دیگری نیز به دست آورده و توسعه پیدا کرد و اقدامات مهمی انجام داد که عبارتند از:

- ۱- تأسیس مریضخانه ای در کوی ششگلان
- ۲- تأسیس مریضخانه ای در کوی مارالان
- ۳- کمک به آسیب دیدگان سیل ویرانگر روز ۱۷ تیر ۱۳۰۸ در تبریز
- ۴- کمک به زلزله زدگان سلماس در سال ۱۳۰۹ش
- ۵- تأسیس مریضخانه کودکان در تبریز
- ۶- تأسیس درمانگاه شبانه
- ۷- تأسیس زایشگاه سیار خانوادگی
- ۸- تأسیس اندرزگاه
- ۹- تأسیس بانک خون
- ۱۰- احداث ساختمان بیمارستان مدرن و مجهز دویست تخت خوابی تبریز. (۴۵)

نتیجه

بر اساس نظریه های جامعه شناسی انجام حرکت های خیرخواهانه به نفع جامعه در حقیقت نمود عینی و شهودی احترام به جامعه است. یک جامعه هر چه از انسانهای شعورمند و خودیاب مملو گردیده شد، حرکت آن جامعه و حریم انسانهایی که در آن زندگی می کنند، بیشتر مورد توجه و رعایت واقع شده و انسانها در چنین جامعه ای از لذت نوع دوستی، نوع پروری و نوع گرایی لبریز گردیده و فرهنگ انسانیت و انسان سازی تار و پود آن جامعه را به هم خواهد تنید.

چنین جامعه‌ای با شرایط بیان شده در پیش دقیقاً با جامعه مورد بررسی (شهر تبریز) مطابقت دارد. به این صورت که در تبریز بین انقلاب مشروطه و انقلاب شکوهمند اسلامی، با وجود شمار زیادی افراد خیر و نیکوکار، جامعه مورد بررسی به حد تعالی رسیده بود. به عبارتی بهتر اگر وجود چنین افرادی در جامعه به عنوان اولیاءالله تلقی گردد، پس به این نتیجه می‌رسیم که شهر تبریز در دوره مورد بحث از این بابت نیز شهری فرهنگ‌ساز و به عنوان الگویی در سطح کشور قابل استفاده بوده است. افراد خیر تبریز با الهام از تعالیم عالی‌ه اسلامی انجام امور خیریه را تکلیف و وظیفه دینی و انسانی خود می‌دانستند و تلاش می‌کردند با ایجاد جمعیت‌های خیریه، قبل از اینکه منتظر انجام این امور توسط دولت باشند، خود اقدام به این کار کرده و در انجام امور عام‌المنفعه و دستگیری از مستمندان از همدیگر سبقت می‌گرفتند که نتیجه این امور پیاده کردن قسط در جامعه بود و جامعه به حالت تعادل اقتصادی رسیده بود تا جایی که حتی دولت نیز به تبعیت از مردم نیکوکار و خیر و شاید برای کسب موقعیت اجتماعی نزد مردم، اقدام به تأسیس جمعیت‌های خیریه کرده بود. روحانیت معظم تبریز در امور خیریه نقش مهمی داشته و آنها علاوه بر تشویق تجار و مردم خیر تبریز در تشکیل خیریه‌ها، خود نیز در جلسات آنها شرکت کرده و علاوه بر مساعدت، کار آنها را نیز تأیید می‌کردند. حتی دولت نیز در مواردی از طریق برخی علما به جمعیت‌های خیریه کمک می‌کرد.

اغلب کسانی که در جمعیت‌های خیریه به عنوان مؤسسین و بانیان شرکت کرده و کمک زیادی به جمعیت‌های خیریه می‌کردند، تجار بودند. این اشخاص از دو جریان با شدت و ضعف تغذیه می‌شدند: جریان اول که تأثیر زیادی بر آنها داشت، جنبه اعتقادی با الهام از دستورات دینی و ارتباط محکم با روحانیت شهر تبریز بود و جریان دوم که تأثیر ضعیف‌تری داشت، موقعیت شهر تبریز به عنوان پایانه تجاری و واسطه بین ایران و اروپا از طریق اسلامبول و قفقاز بود که فعالیت تجار بر اثر ارتباط تجاری، سپس آشنایی آنها با فرهنگ اجتماعی کشورهای اروپایی بر آنها تأثیر گذاشته و آنها را در انجام این گونه امور تقویت می‌کرد.

تبریز در دوره مورد بررسی در سایه وجود جمعیت‌های خیریه فراوان و فعالیت چشمگیر آنان به شهری بدون گدا تبدیل شده بود و این از نتایج وجود جمعیت‌های خیریه بود که مردم با دادن اعانه به جمعیت‌ها، جلوی تکدی‌گری را می‌گرفتند. برخی از این جمعیت‌ها برای اولین بار در تبریز شکل گرفته بود و حتی تهران نیز در زمینه تشکیل برخی از جمعیت‌های خیریه از تبریز الگو گرفته بود.

در دوره مورد بررسی فعالیت کلیه اعضاء اعم از هیأت مدیره، مدیرعامل، بازرسان و سایر اعضاء افتخاری بود و تشریفات اداری در آن جمعیت‌ها وجود نداشت.

همچنین از بررسی جمعیت‌های خیریه به این نتیجه می‌رسیم که جمعیت‌هایی که در تشکیلاتشان گروه تبلیغات داشته‌اند، نسبت به سایر جمعیت‌ها موفقیت بیشتری در جلب اعانه و کمک‌های مردمی کسب کرده بودند و دلیل این موفقیت آن بود که وقتی مردم می‌دیدند که اعانه آنها در راه خیر به مصرف افراد واقعاً نیازمند جامعه می‌رسد و نتایج آن به وضوح در جامعه مشاهده می‌شد، با رغبت و علاقه بیشتری به این جمعیت‌ها کمک می‌کردند.

به طور کلی می‌توان گفت که تجربه جمعیت‌های خیریه تبریز از دوره مشروطیت و ناشی از وقایع سیاسی و اجتماعی آن زمان شکل گرفته بود، این تجربه ارزشمند به صورت خودجوش در مردم به وجود آمده و در دوره بعد از مشروطیت نیز ادامه داشته است. در واقع جمعیت‌های خیریه تبریز را باید حاصل و دستاورد اجتماعی انقلاب مشروطه به حساب آورد.

امید است که تشکیلات خیریه فعلی به میان مردم رفته و طرح و برنامه‌های خودشان را بر اساس نیاز جامعه انتخاب کنند و از گداپروری پرهیز نموده و به جای ماهی دادن به گرسنگان، ماهی گرفتن را به آنها بیاموزند.

پی‌نویس‌ها:

۱- ملک‌زاده، الهام. (۱۳۸۳۶). نگاهی به وضعیت امور خیریه رشت در دوره قاجاریه، فصلنامه گنجینه اسناد، سال چهاردهم، شماره ۵۳، صص ۵۳ - ۳۹.

۲- اشپولر، برتولد، (۱۳۷۹)، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج دوم، مترجم مریم میراحمدی، تهران: انتشارت علمی و فرهنگی، صص ۲۸۵ - ۲۸۹.

۳- شمیم، علی‌اصغر، (۱۳۷۰)، ایران در دوره سلطنت قاجار، ج دوم، تهران: انتشارات علمی، صص ۳۷۱-۳۷۳.

۴- مجتهدی، علی‌اصغر (۱۳۴۱) تاریخ جمعیت شیر و خورشید سرخ تبریز، تبریز: چاپخانه شفق، صص ۳-۴.

۵- همان، صص ۷ و ۹.

۶- غفرالهی، شهرام، (۱۳۸۳) مراکز خیریه اصفهان نمونه‌هایی از مشارکت و خیراندیشی اجتماعی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۱۳۷-۱۱۶.

۷- علی‌بن ابیطالب (ع)، امام اول، ترجمه نهج‌البلاغه، (۱۳۶۸) مترجم سیدجعفر شهیدی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ص ۴۳۴.

۸- ترابی فارسانی، سهیلا، (۱۳۸۱). تجار در تعامل سیاسی و اجتماعی پس از جنبش مشروطیت، فصلنامه گنجینه اسناد ملی، سال دوازدهم، شماره‌های پیاپی ۴۵ و ۴۶، صص ۱۲۳ - ۱۱۱.

۹- مجتهدی، پیشین، صص ۹-۱۰.

۱۰- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، پرونده شماره ۴۶۶۸۰۰۴۹۷۰.

۱۱- مجتهدی، پیشین، ص ۱۱.

۱۲- اداره کل ثبت اسناد و املاک آذربایجان شرقی، بایگانی اداره ثبت مؤسسات، پرونده شماره ۱.

۱۳- بی‌نام (۱۳۸۲). عملکرد انجمن حمایت زندانیان تبریز در سال ۱۳۸۲، تبریز، بی‌نا، صص ۵-۶.

- ۱۴- اداره کل ثبت اسناد و املاک آذربایجان شرقی، همان، پرونده شماره ۱۰.
- ۱۵- بی‌نام، (۱۳۳۸). انجمن محلی و خیریه لیل آباد، نشریه شماره ۲، تبریز: چاپخانه علمیه، صص ۳-۶.
- ۱۶- اداره کل ثبت اسناد و املاک آذربایجان شرقی، همان، پرونده شماره ۲.
- ۱۷- همان، پرونده شماره ۹.
- ۱۸- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، آرشیو مدیریت شمال غرب، پرونده شماره ۰۰۷۰۰۰۸۶۸.
- ۱۹- همان، پرونده شماره ۰۰۵۰۰۱۶۰۵.
- ۲۰- اداره کل ثبت اسناد و املاک آذربایجان شرقی، همان، پرونده شماره ۱۴.
- ۲۱- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، مدیریت شمال غرب، پرونده شماره ۰۰۸۰۰۰۲۲۲.
- ۲۲- همان، پرونده شماره ۰۰۷۰۰۰۴۰۸.
- ۲۳- بی‌نام، (۱۳۸۴). درد دلی با همشهریان، روابط عمومی مؤسسه خیریه حمایت از مستمندان تبریز، صص ۲۱.
- ۲۴- دمیرجیان، وارتان، (۱۹۶۶). تاریخ ارمنه آذربایجان، تبریز: نایبری، صص ۸۵، (این کتاب به زبان ارمنی است که قسمتهایی از آن که مربوط به انجمن امدادیه ارمنه آذربایجان می‌باشد توسط آقای خسرویان مسئول امور بازار مشترک ایران و ارمنستان در اتاق بازرگانی تبریز، ترجمه شده است).
- ۲۵- نگارنده (۱۳۸۲)، اساسنامه انجمن امدادیه زنان ارمنی آذربایجان. فصلنامه گنجینه اسناد، سال سیزدهم، شماره‌های پیاپی ۵۱ - ۵۲، صص ۹۶ - ۹۰.
- ۲۶- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، مدیریت شمال غرب، پرونده شماره ۰۰۸۰۰۰۴۵.
- ۲۷- همان، پرونده شماره ۰۰۵۰۰۱۶۰۵.
- ۲۸- اداره کل ثبت اسناد و املاک آذربایجان شرقی، همان، پرونده شماره ۲۰.
- ۲۹- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، مدیریت شمال غرب، پرونده شماره ۰۰۵۰۰۰۳۵۴.
- ۳۰- اداره کل ثبت اسناد و املاک آذربایجان شرقی، همان، پرونده شماره ۶.
- ۳۱- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، مدیریت شمال غرب، پرونده شماره ۰۰۸۰۰۰۲۲۲.
- ۳۲- همان، پرونده شماره ۰۰۵۰۰۱۰۲۹.
- ۳۳- اداره کل ثبت اسناد و املاک آذربایجان شرقی، همان، پرونده شماره ۱۲.
- ۳۴- همان، پرونده شماره ۱۷.

- ۳۵- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، مدیریت شمال غرب، پرونده شماره ۰۰۵۰۰۱۸۰۰.
- ۳۶- همان، پرونده شماره ۰۰۵۰۰۲۵۵۸.
- ۳۷- همان، پرونده شماره ۰۰۵۰۰۱۴۵۵.
- ۳۸- مجتهدی، پیشین، صص ۱۱-۱۲.
- ۳۹- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، مدیریت شمال غرب، پرونده شماره ۰۰۵۰۰۱۶۰.
- ۴۰- اسناد موجود در بایگانی هیأت خیریه چرنداب تبریز.
- ۴۱- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، مدیریت شمال غرب، پرونده شماره ۰۰۸۰۰۰۴۵.
- ۴۲- همان، پرونده شماره ۰۰۵۰۰۰۱۶۰.
- ۴۳- همان، پرونده شماره ۰۰۸۰۰۰۴۵.
- ۴۴- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، پرونده شماره ۰۲۹۰۰۰۳۶۴۷.
- ۴۵- مجتهدی، پیشین، صص ۱۴ و ۱۹ و جاهای دیگر.